

نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بر کاهش فقر در افغانستان طی سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۲۲)

پوهنیار مسعود احمد خداجو^۱، سمیع الله قانع^۲

^۱دیارتمت احصائیه و اکونومتری، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲فارغ التحصیل دیارتمت احصائیه و اکونومتری، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

املا: masoudahmad74@gmail.com

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بر کاهش فقر در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۲۲ انجام شده است. اهمیت تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که فقر یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی افغانستان بوده و شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش آن برای سیاست‌گذاری اقتصادی ضروری است. این مطالعه از روش کمی و تحلیلی استفاده نموده و داده‌های ثانوی به‌دست‌آمده از شاخص‌های توسعه جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی تحلیل گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های خارجی در بلندمدت اثر منفی و معنادار بر کاهش فقر دارند. رشد جمعیت در بلندمدت معنادار نیست، اما در کوتاه‌مدت اثر مثبت دارد. همچنین، تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت و معنادار داشته، در حالی‌که تجارت اثر معنادار نشان نداده است.

رشد جمعیت؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ کمک‌های خارجی؛ کاهش فقر؛ مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی

The Role of Foreign Direct Investment, Foreign Aid, and Population Growth in Poverty Reduction in Afghanistan during 2002–2022

Masoud Ahmad Khudajo^{1*}, Samiullah Qany²

¹Department of Statistics and Econometrics, Faculty of Economics, Kabul University, Kabul, Afghanistan

²Graduate of the Department of Statistics and Econometrics, Faculty of Economics, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: masoudahmad74@gmail.com

Abstract

This study examines the roles of foreign direct investment, foreign aid, and population growth in poverty reduction in Afghanistan during 2002–2022. The study is important because poverty remains one of Afghanistan's major economic and social challenges, and identifying its key determinants is essential for effective economic policymaking. Using a quantitative, analytical approach, secondary data from the World Development Indicators and the UNDP were analyzed using the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) model. The findings indicate that foreign direct investment and foreign aid have a negative and significant effect on poverty reduction in the long run. Population growth is not significant in the long run, but it has a positive effect in the short run. Moreover, GDP per capita has a positive and significant effect on poverty reduction in both the short- and long-run, whereas trade does not have a significant impact.

Keywords ARDL; Poverty Reduction; Foreign Direct Investment; Foreign Aid; Population Growth

ارجاع: خداجو، م. ا. و قانع، س. (۱۴۰۵). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بر کاهش فقر در افغانستان طی سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۲۲). *روزنام علمی - تحقیقی علوم اجتماعی - پوهنتون کابل* ۹(۱): ۸۷-۱۰۳

<https://doi.org/10.62810/jss.v9i1.458>

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على سيد المرسلين و على اله و اصحابه اجمعين اما بعد:

بر خلاف اعتقاد عامه، فقر تنها به معنی کمبود درآمد و منابع تولیدی نیست؛ بلکه دسترسی محدود به آموزش و سایر خدمات اولیه، تبعیض و طرد اجتماعی و هم‌چنین عدم مشارکت در تصمیم‌گیری نیز تحت عنوان فقر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. موضوع فقر یکی از مهم‌ترین مسائلی است که مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه قرار دارد. شاید در نگاه نخست فقر تنها یک متغیر اقتصادی و به معنای محرومیت از برخی منابع به نظر برسد، اما در واقع فقر از ابعاد بسیاری بر حوزه‌هایی نظیر اقتصاد، سیاست و جامعه تأثیرات قابل توجهی می‌گذارد. ابعاد مختلف گسترش فقر تمامی اجتماع را در بر خواهد گرفت؛ برخی از این موارد به امنیت و مسائل انسانی برمی‌گردد و برخی به مسائل اقتصادی. واقعیت این است که گسترش فقر در جامعه قدرت خرید، تقاضا، امنیت و توسعه انسانی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش خشونت و ده‌ها جرائم دیگر می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

از جمله کشورهای آسیب‌پذیر از فقر یکی هم افغانستان است که طی دهه‌های اخیر با چالش‌های مختلف از جمله جنگ‌ها، تغییرات سیاسی، مهاجرت‌ها، تغییرات اقلیمی، فقر، بیکاری و فرار مغزها مواجه بوده است؛ این چالش‌ها معضلات گوناگون را در افغانستان به‌وجود آورده و این کشور را در هر زمینه آسیب‌پذیر کرده است. مهم‌ترین این معضلات یکی هم فقر است که ضرورت است عوامل آن شناسایی، شاخص‌های آن ریشه‌یابی و فرایند آن تحلیل گردد.

افغانستان کشوری است که طی دهه‌های اخیر با چالش‌های مختلف از جمله جنگ‌ها، تغییرات سیاسی، مهاجرت‌ها، تغییرات اقلیمی، فقر و بیکاری و فرار مغزها مواجه بوده است؛ این چالش‌ها معضلات مختلفی را در افغانستان به‌وجود آورده و این کشور را در هر زمینه آسیب‌پذیر کرده است، مهم‌ترین این معضلات یکی هم فقر است که ضرورت است عوامل آن شناسایی، شاخص‌های آن ریشه‌یابی و فرایند آن تحلیل گردد. ناگفته نباید گذاشت در کنار مسائل یادشده، جمعیت افغانستان نیز افزایش چشم‌گیری داشته است. چنانچه، نفوس افغانستان از ۲۱ میلیون در سال ۲۰۰۲ به ۴۱ میلیون در سال ۲۰۲۲ افزایش نموده (بانک جهانی، ۲۰۲۲) و طی ۲۰ سال تقریباً دوچند شده است که قطعاً بی‌تأثیر نخواهد بود. بناءً، باید عوامل که بر کاهش فقر تأثیر دارد شناسایی و تأثیر آن بالای کاهش فقر از طریق ابزارهای احصائی ریاضیاتی و اکونوتریک مطالعه گردد. البته عوامل مختلف می‌تواند بر کاهش فقر تأثیر داشته باشد؛ بدین منظور می‌خواهیم موضوع را تحت عنوان "نقش سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بر کاهش فقر در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۲" مورد مطالعه قرار دهیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق: موضوع فقر یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی است که توجه بسیاری از اقتصاددانان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، را به خود جلب کرده است. اکثر دانشمندان و سیاست‌گذاران اقتصادی تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های مناسب، میزان فقر را کاهش دهند و شرایط زندگی مردم را بهبود بخشند. برخی از این تلاش‌ها نتایج بسیار مؤثری داشته و توانسته‌اند رفاه اقتصادی و دسترسی به خدمات پایه‌ای را ارتقا دهند (روالیون^۱، ۲۰۱۶)، در حالی که برخی دیگر اثرات محدود و چندان قابل ملاحظه‌ای بر کاهش فقر نداشته‌اند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). افغانستان به دلیل جنگ‌های طولانی، مشکلات سیاسی و اقتصادی و کمبود منابع، با فقر گسترده روبه‌رو است و بخش بزرگی از مردم زندگی سختی دارند (بانک جهانی، ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، کمک‌های خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها دارند، زیرا می‌توانند فرصت‌های شغلی ایجاد کنند، زیرساخت‌ها را تقویت نمایند و فناوری و دانش جدید را وارد کشور کنند. با این حال، مدیریت نادرست کمک‌های خارجی و محدود بودن جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث می‌شود که اثرات مثبت این منابع به‌طور کامل مشاهده نشود (تودارو و سمیت^۲، ۲۰۲۰؛ UNCTAD^۳، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، شاخص توسعه انسانی یکی از موارد مهم برای معلوم نمودن وضعیت زندگی مردم یک کشور می‌باشد و نظر به متغیرهای که توسط سازمان ملل در نظر گرفته شده است اگر شاخص توسعه انسانی مقدار بالای ۰.۸۰۰ به عنوان بسیار زیاد، بین ۰.۷۰۰ و ۰.۷۹۹ به عنوان بالا، ۰.۵۵ تا ۰.۶۹۹ به عنوان متوسط و زیر ۰.۵۵ به عنوان پایین طبقه‌بندی می‌شود و شاخص توسعه انسانی در افغانستان در سال ۲۰۲۲، ۰.۴۷۸ بوده که در ردیف پائین قرار می‌گیرد و رتبه ۱۸۰ را میان کشورها به خود اختصاص داده است (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲). بناءً، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف لازم دانستیم که تحقیق مورد نظر را انجام داده و به یک نتیجه جامع دست یابیم تا بتوانیم راه حلی برای کاهش فقر در افغانستان با استفاده از متغیرهای مورد نظر به‌دست آوریم.

اهداف تحقیق قرار ذیل است.

۱. دریافت نقش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، نقش کمک‌های خارجی و نقش رشد جمعیت بر کاهش فقر در افغانستان.

¹ Ravallion

² Todaro & Smith

³ United Nations Conference on Trade and Development

۲. دریافت نقش تولیدات ناخالص داخلی سرانه و نقش تجارت بالای کاهش فقر در افغانستان.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعدد در کشورهای مختلف برای ارزیابی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی، و رشد جمعیت بالای کاهش فقر انجام شده است که در زیر ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود. انیتور و همکاران^۴ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای را برای دریافت تأثیرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی، و تجارت بالای کاهش فقر انجام داده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده از ۲۹ کشور آفریقای جنوبی طی دوره زمانی ۱۹۲۰ الی ۲۰۱۷ می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی، تأثیر منفی بالای کاهش فقر در کشورهای مورد مطالعه دارد. همچنان نتایج نشان می‌دهد که تجارت تأثیر معنی‌دار و مثبت بالای کاهش فقر در کشورهای کم‌درآمد دارد و رشد جمعیت منجر به یکی از متغیرین کنترل در تحقیق انجام شده تأثیر منفی بالای کاهش فقر را نشان می‌دهد.

خان و همکاران (۲۰۱۹) تحقیقی را تحت عنوان «تأثیر مستقیم جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالای کاهش فقر در پاکستان» انجام داده‌اند. در تحقیق انجام شده بعضی متغیرهای کنترلی نیز در نظر گرفته شده است. مطالعه موردی این تحقیق کشور پاکستان طی سال‌های ۱۹۸۵ الی ۲۰۱۶ می‌باشد. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالای کاهش فقر نتیجه مثبت و معنی‌دار دارد.

چیشتی و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان برآورد تعیین‌کننده‌های کلان اقتصادی فقر درآمد در پاکستان، رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی، جمعیت و سایر عوامل کلان اقتصادی با فقر در پاکستان را بررسی کرده‌اند. این مطالعه از داده‌های سالانه ۱۹۷۲ تا ۲۰۱۸ استفاده کرده و روش Non-Linear ARDL (NARDL) را برای تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر فقر به کار برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث کاهش فقر می‌شوند، در حالی که شوک‌های منفی می‌توانند فقر را افزایش دهند. همچنین رشد جمعیت و هزینه‌های بهداشت نیز بر کاهش فقر تأثیر داشته‌اند.

^۴ Anetor et al

گوکمن اوغلو، اپینران و تاسپینار^۵ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص توسعه انسانی در نیجریه رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص توسعه انسانی در نیجریه را بررسی کرده‌اند. این مطالعه از داده‌های سالانه ۱۹۷۲ تا ۲۰۱۳ استفاده کرده و روش‌های اقتصادسنجی هم‌جمعی برای تحلیل اثر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی مانند آموزش، امید زندگی و درآمد سرانه به کار برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه مثبت و معناداری با شاخص توسعه انسانی دارد و جذب سرمایه‌های خارجی می‌تواند توسعه انسانی و رفاه عمومی را بهبود بخشد.

نوافور و همکاران^۶ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص توسعه انسانی در نیجریه، تأثیر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص توسعه انسانی در نیجریه را بررسی کرده‌اند. این تحقیق از داده‌های سالانه ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۹ استفاده کرده و روش ARDL را به کار برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارد و بخش‌های مختلف اقتصادی اثر متفاوتی بر توسعه انسانی دارند. همچنین رابطه کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با شاخص توسعه انسانی مشاهده شده، اما شدت آن کمتر از اثر بلندمدت است.

احمد و همکاران (۲۰۱۲) تحقیقی را تحت عنوان «بررسی تأثیر نابرابری درآمد، رشد جمعیت و آزادسازی تجارت بالای فقر» در پاکستان انجام داده‌اند. درین تحقیق شاخص توسعه انسانی (HDI) به عنوان متغیر وابسته و ضریب جینی، نرخ رشد جمعیت، ثبات سیاسی (متغیر مجازی)، آزادسازی تجارت و HDI عقب افتاده به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری درآمد و رشد جمعیت رابطه مثبت با فقر دارد در حالیکه آزادسازی تجارت با فقر رابطه منفی دارد.

عاقلی و سام‌دلیری (۲۰۲۱) تحقیقی را تحت عنوان «تأثیر کمک‌های رسمی توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه انسانی در کشورهای کمتر توسعه یافته» انجام داده‌اند. در تحقیق انجام شده ۲۴ کشور کمتر توسعه یافته طی دوره زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۸ مورد مطالعه قرار گرفته است. مدل تحقیق با استفاده از داده‌های ترکیبی و در محیط نرم‌افزار ایویوز به روش اثرات تصادفی برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که کمک‌های رسمی توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر دو اثر مثبت و

⁵ Gokmenoglu, Apinran, & Taspinar

⁶ Nwafor

معنی دار بر شاخص توسعه انسانی دارند. همچنین با افزایش درجه کارایی دولت، شاخص توسعه انسانی در کشورهای منتخب افزایش می‌یابد.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی را به منظور بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی روی فقر انجام داده‌اند. داده‌های پنل جمع‌آوری شده بطور تصادفی از میان کشورهای حوزه منا (خاور میانه و شمال آفریقا) طی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۹ می‌باشد. در مطالعه انجام شده شاخص توسعه انسانی (HDI) به عنوان شاخص کاهش فقر استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی (قانونمندی) مناسب اثر مثبت و معنی دار روی کاهش فقر و افزایش رفاه دارند.

نجاتی و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی را تحت عنوان «رابطه ساختار سنی جمعیت با فقر» را انجام داده‌اند. مکان موردنظر برای تحقیق انجام شده ایران طی سال‌های ۱۳۵۴ الی ۱۳۹۶ می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جمعیت وابسته کودک و سال‌های تحصیل رابطه منفی و معنی دار با فقر دارند. جمعیت وابسته مسن رابطه منفی و معنی دار با فقر دارد و همچنان درصد تجارت در تولید ناخالص داخلی و موجودی سرمایه فیزیکی رابطه منفی با فقر دارند.

امانی مله و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی را تحت عنوان «ارزیابی ارتباط بین فقر و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» انجام داده‌اند؛ در این تحقیق، داده‌های پنل نامتوازن از ۲۵ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۸۷ الی ۲۰۱۲ جمع‌آوری گردیده و توسط نرم‌افزار ستاتا مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، فقر را در کشورهای در حال توسعه انتخاب شده کاهش می‌دهد.

سینورایا^۷، ساری و لوبیس (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای بر فقر در ولایت سوماترای شمالی اندونزی، تأثیر رشد اقتصادی، شاخص توسعه انسانی جمعیت، بیکاری و سرمایه‌گذاری را طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ بررسی کردند. با استفاده از مدل ARDL، نتایج نشان داد شاخص توسعه انسانی و رشد اقتصادی به‌طور معنادار فقر را کاهش می‌دهند، بیکاری در کوتاه‌مدت فقر را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری اثر معناداری نداشت. این تحقیق بر اهمیت تمرکز سیاست‌های کاهش فقر بر بهبود شاخص توسعه انسانی و کیفیت زندگی تأکید دارد.

^۷ Sinuraya, Sari, & Lubis

پابلو و همکاران^۸ (۲۰۱۸) به تحلیل نقش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالای فقر طی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ با استفاده از داده‌های ۱۳ منطقه آمریکای لاتین پرداخته است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش قابل توجه بالای کاهش فقر نداشته است، برخلاف ثبات اقتصاد کلان، زیر ساخت‌ها، توسعه سرمایه انسانی و توسعه مالی نقش قابل توجهی بالای کاهش فقر در منطقه مذکور داشته است.

ستیفان و همکاران^۹ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای را برای بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کاهش فقر در کشور کامرون صورت داده‌اند که دربرگیرنده سال‌های ۱۹۸۴ الی ۲۰۱۴ می‌باشد. در این مطالعه از آزمون (ARDL) استفاده شده است که از سه شاخص کاهش فقر یعنی امید به زندگی، هزینه مصرف خانوار و نرخ مرگ و میر نوزادان به حیث متغیر فقر در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کاهش فقر در کامرون در درازمدت کمتر معنی‌دار است اما در کوتاه‌مدت می‌تواند یک راه‌کار کاهش فقر در نظر گرفته شود چون در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت و معنی‌دار بر کاهش فقر را نشان داده است.

با وجود انجام مطالعات متعدد در زمینه نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و متغیرهای جمعیتی بر فقر، هنوز خلاهای مهمی در ادبیات تحقیق وجود دارد. نخست، بخش عمده تحقیقات پیشین بر کشورهای آفریقایی، آسیای جنوبی و آمریکای لاتین متمرکز بوده و بررسی جامع و منسجمی که به‌طور خاص اقتصاد افغانستان را پوشش دهد، بسیار محدود است. دوم، اغلب این مطالعات دوره‌های زمانی متفاوتی را مدنظر قرار داده‌اند و کمتر تحقیقی به‌صورت مشخص به دوره پس از سال ۲۰۰۱ پرداخته است؛ در حالی که سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۲ برای افغانستان دوره‌ای استثنایی از نظر حجم بالای کمک‌های خارجی، تغییرات سریع جمعیتی و نوسانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شمار می‌رود. سوم، در بیشتر تحقیقات، متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت به‌صورت جداگانه یا با تمرکز محدود بررسی شده‌اند و اثر همزمان و تعاملی این عوامل بر کاهش فقر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، تحقیق حاضر با تمرکز بر افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۲ و با بررسی همزمان نقش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بالا بر کاهش فقر، می‌کوشد این خلاهای تحقیقاتی را تکمیل نماید و شواهد تجربی مشخصی را متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی افغانستان ارائه دهد.

^۸ Pablo et al

^۹ Stéphane et al

مبانی نظری

فقر: عبارت از کمبود درآمد و منابع تولیدی برای تضمین معیشت پایدار مستلزم است. تظاهرات آن شامل گرسنگی و سوء تغذیه، دسترسی محدود به آموزش و سایر خدمات اولیه، تبعیض و طرد اجتماعی و همچنین عدم مشارکت در تصمیم‌گیری است. در سال ۲۰۱۵، بیش از ۷۳۶ میلیون نفر زیر خط فقر بین‌المللی زندگی می‌کردند. در عین حال حدود ۱۰ درصد از جمعیت جهان در فقر شدید به سر می‌برند و برای برآوردن نیازهای اولیه مانند بهداشت، آموزش، و دسترسی به آب و فاضلاب تلاش می‌کنند. به ازای هر ۱۰۰ مرد در همان گروه سنی، ۱۲۲ زن ۲۵ تا ۳۴ ساله در فقر زندگی می‌کنند و بیش از ۱۶۰ میلیون کودک در خطر ادامه زندگی در فقر شدید تا سال ۲۰۳۰ هستند (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰).

امروزه تعریف فقر از فقر درآمدی فراتر رفته و مقولاتی همچون عدم دسترسی به آموزش و بهداشت، فرصت‌های برابر، محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی از جمله عدم برخورداری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، نبود امکان برخورداری از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق مدنی گسترش یافته است (غفاری، ۱۳۹۳).

نوع فقر مورد مطالعه: این تحقیق فقر را از نظر «فقر انسانی» مورد بررسی قرار می‌دهد. فقر انسانی مفهومی فراتر از کمبود درآمد بوده و شامل محرومیت افراد از آموزش، خدمات صحتی، فرصت‌های اقتصادی و سطح مناسب زندگی می‌باشد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI): «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پس از جنگ جهانی دوم، نقش مهمی در اقتصاد بین‌المللی به دست آورد» (دنیشیا^{۱۰}، ۲۰۱۰). چنین استدلال می‌شود که تا دهه ۱۹۶۰، هیچ تئوری مستقل و خود اتکای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود نداشت و مفهوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب بخشی از جریان سرمایه بین‌المللی مطرح می‌شد و بسیاری از ویژگی‌ها و ابعاد مهم آن مورد نادیده گرفت می‌شد (ذوالقدر، ۱۳۸۸).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از دیدگاه اقتصاد کلان چنین تعریف نموده اند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شکل خاصی از جریان‌های سرمایه در سراسر مرزها، از کشورهای میزبان است که در تراز پرداخت‌ها یافت می‌شود (دنیشیا، ۲۰۱۰). سرمایه‌گذاری مستقیم معمولاً به عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناخته می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سرمایه‌گذاری اطلاق می‌گردد که در

¹⁰ Denisia

آن یک شخص حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور، با هدف دستیابی به سهم کنترلی پایدار، در یک بنگاه اقتصادی واقع در کشور دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند (UNCTAD، ۲۰۲۳).

کمک‌های خارجی: دولت‌های دهنده کمک تقریباً هرگونه هزینه‌ای را که کشور دیگر می‌کند جدا از اهداف و علل این هزینه‌ها، در حوزه کمک قرار می‌دهند. در تعریف سازمان ملل متحد از کمک‌های خارجی محدودیت بیشتری به چشم می‌خورد؛ طبق این تعریف فقط کمک‌های اقتصادی به عنوان کمک قابل قبول است. کمک‌های اقتصادی نیز در اینجا فقط شامل کمک‌های بلاعوض خالص و وام‌های بلندمدت که به منظور هزینه کردن در حوزه غیرنظامی به وسیله دولت‌ها یا تشکیلات بین‌المللی پرداخت می‌شود، می‌گردد (الهی، ۱۳۷۲).

اندازه‌گیری کمک‌های خارجی می‌تواند به روش‌های مختلفی انجام شود. به طور سنتی ادبیاتی که تأثیر کمک‌ها بر توسعه را تجزیه و تحلیل می‌کند، از معیار کمک‌های رسمی به توسعه (ODA)¹¹ استفاده می‌کند. جریان کمک‌های رسمی به توسعه شامل کمک‌های بلاعوض و قرضه‌های امتیازی است، یعنی قرضه‌هایی که عنصر کمک هزینه آنها حداقل ۲۵ درصد است. یک تفاوت اساسی بین کمک‌های رسمی به توسعه و کمک‌های رسمی اقتصادی (EDA)¹² وجود دارد. کمک رسمی به توسعه جریان وجوه به کشور دریافت‌کننده را در یک سال خاص منفی مقداری که کشور باز می‌گرداند، ثبت می‌کند؛ در حالی که کمک‌های رسمی اقتصادی بخشی از کمک‌های رسمی به توسعه را منعکس می‌کند که با انتقال خالص منابع از اهداکنندگان به کشور دریافت‌کننده مطابقت دارد. (دیژانکوف و همکاران¹³، ۲۰۰۶).

نظریه جمعیت: نظریه جمعیت مالتوس فقر را نتیجه عدم تناسب میان رشد سریع جمعیت و ظرفیت محدود تولید مواد غذایی می‌داند. به باور مالتوس، جمعیت به صورت طبیعی با تصاعد هندسی افزایش می‌یابد، در حالی که تولید مواد غذایی تنها از تصاعد عددی پیروی می‌کند؛ از این رو، مازاد جمعیت و کمبود منابع اجتناب‌ناپذیر بوده و فقر به عنوان پیامد آن بروز می‌کند (مالتوس¹⁴، ۱۷۸۹). وی قانون بازده نزولی را مانع اصلی افزایش پایدار تولید دانسته و معتقد است که در صورت ثبات فناوری، افزایش نیروی کار نه تنها فقر را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را تشدید می‌کند.

¹¹ Official Development Assistance

¹² Economic Development Assistance

¹³ Djankov et al

¹⁴ Malthus

در مقابل دیدگاه مالتوس، بسیاری از اقتصاددانان توسعه و جمعیت‌شناسان، جمعیت را عامل مهم رشد اقتصادی می‌دانند. از این منظر، جمعیت فعال منبع اصلی ثروت ملی است و رشد تولید سرانه به نرخ رشد جمعیت فعال بستگی دارد، مشروط بر آن‌که پیشرفت تکنولوژیک سریع‌تر از رشد جمعیت باشد (تودارو و سمیت^{۱۵}، ۲۰۲۰).

در همین راستا، ابن‌خلدون دیدگاهی مثبت نسبت به افزایش جمعیت ارائه می‌کند. وی معتقد است که جمعیت زیاد از طریق گسترش تقسیم کار و تولید انبوه، موجب وفور کالاها، کاهش قیمت‌ها و افزایش رفاه اقتصادی می‌شود (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵).

بر این اساس، تأثیر رشد جمعیت بر فقر امری وابسته به شرایط اقتصادی، نهادی و سطح فناوری هر جامعه است و این چارچوب نظری، مبنای مناسبی برای تحلیل رابطه رشد جمعیت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و فقر در افغانستان فراهم می‌سازد.

روش تحقیق

هدف از این مطالعه چگونگی نقش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد سالانه جمعیت با در نظر گرفتن بعضی متغیرهای کنترلی بر کاهش فقر در افغانستان می‌باشد. این مطالعه از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL^{۱۶}) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند که یک رویکرد مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی است.

طرح تحقیق: طرح تحقیق برای این مطالعه ماهیت کمی را دارد، زیرا شامل استفاده از داده‌های عددی برای تجزیه و تحلیل رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی، رشد جمعیت و کاهش فقر در افغانستان است. این مطالعه همچنین توصیفی و تحلیلی است زیرا هدف آن توصیف وضعیت فعلی فقر در افغانستان و تجزیه و تحلیل تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت بالای آن است.

جمع‌آوری داده‌ها: داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از دو منبع (شاخص توسعه جهانی (WDI) و برنامه توسعه سازمان ملل متحد «UNDP») به‌دست آمده است. هر دو منبع داده‌های جامعی را در مورد شاخص‌های مختلف اقتصادی ارائه می‌دهند. این داده‌ها یک دوره ۲۱ ساله از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ را

¹⁵ Todaro & Smith

¹⁶ Autoregressive Distributed Lag

پوشش می‌دهد که برای نقش متغیرهای در نظر گرفته شده بالای کاهش فقر در افغانستان تا حدودی کفایت می‌کند.

متغیرهای تحقیق: متغیر وابسته در این تحقیق شاخص توسعه انسانی (HDI) افغانستان است که یکی از معیارها برای سنجش وضعیت فقر در کشورها در نظر گرفته می‌شود. متغیرهای مستقل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت هستند که مطابق نظریات دانشمندان حوزه اقتصاد، در کنار سایر متغیرها، این متغیرها نیز خیلی عمده اند که می‌توانند فقر را در کشورها متأثر سازند. در این مطالعه همچنان متغیرهای کنترلی مانند تولیدات ناخالص داخلی سرانه و تجارت در نظر گرفته شده است که ممکن است بر کاهش فقر نقش داشته باشد. جزئیات در مورد این متغیرها در جدول ۱ توضیح داده شده است.

جدول ۱: توضیح متغیرهای تحقیق

منبع داده‌ها	متغیرهای تحقیق	توضیحات
UNDP ¹⁷	HDI	شاخص توسعه انسانی (متغیر وابسته)
WDI ¹⁸	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اساس فیصدی GDP
WDI	FAD	کمک‌های خارجی به اساس کمک‌های سالانه انجام شده به میلیارد \$
WDI	POPG	رشد جمعیت به اساس فیصدی رشد سالانه
WDI	Trade	تجارت به اساس واردات و صادرات کالا به فیصدی GDP
WDI	PCGDP	تولیدات ناخالص داخلی سرانه به دالر

ابزار تحقیق: نرم‌افزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها E-views 10 می‌باشد که یک بسته نرم‌افزاری آماری است و به طور گسترده برای تحلیل داده‌های سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش تحقیق و تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از روش ARDL استفاده شده است زیرا بعضی متغیرها در سطح معنی‌دار بوده و بعضی متغیرها در تفاضل معنی‌دار می‌باشد و مناسب‌ترین روش برای تحلیل این نوع داده‌ها همین روش ARDL در نظر گرفته شده است. این مدل برای تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی مناسب است زیرا امکان تخمین روابط کوتاه‌مدت و بلند مدت بین متغیرها را فراهم می‌کند. می‌توان تابع نقش متغیرهای مستقل بر شاخص توسعه انسانی (HDI) را چنین نوشت.

$$HDI_t = f(FDI_t, FAD_t, POPG_t, PCGDP_t, Trade_t)$$

در معادله فوق HDI_t عبارت از شاخص توسعه انسانی، FDI_t سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، FAD_t بیانگر کمک‌های خارجی به اساس کمک‌های سالانه انجام شده به میلیارد دالر، $POPG_t$ نشان‌دهنده

¹⁷ United Nations Development Programme

¹⁸ World Development Indicators

رشد جمعیت به اساس فیصدی رشد سالانه ، Tradet بیانگر تجارت به اساس واردات و صادرات کالا به فیصدی تولیدات ناخالص داخلی و PCGDPt تولیدات ناخالص داخلی سرانه به دالر می باشد که می توان مدل رگرسیونی آنرا به شکل زیر نوشت.

$$HDI_t = \beta_0 + \beta_1 FD1_t + \beta_2 \text{Log}(FAD)_t + \beta_3 \text{PopG}_t + \beta_4 \text{Log}(PCGDP)_t + \beta_5 \text{Trade}_t + \varepsilon_t$$

یافته ها

به منظور آزمون فرضیه های مطرح شده این تحقیق به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته میشود. ابتدا به بررسی احصائیه توصیفی متغیرهای تحقیق پرداخته می شود؛ در این بخش مقدار میانگین حداکثر حداقل پراکندگی داده ها و معلوماتی در مورد توزیع داده ها ارائه شده است. سپس به احصائیه های استنباطی پرداخته می شود در این بخش ابتدا همبستگی بین متغیرها بررسی می شود بعد از آن آزمون های ریشه واحد متغیرها مطالعه می گردد برای بررسی موجودیت یک رابطه بلند مدت بین متغیرها به آزمون هم انباشتگی رجوع میشود و در آخر هم به تخمین مدل تحقیق می پردازیم.

احصائیه توصیفی متغیرها: در این بخش به احصائیه توصیفی متغیرها پرداخته شده است که در اول جدول عمومی متغیرها با استفاده از نرم افزار ایویوز به دست آمده است.

جدول ۲: احصائیه توصیفی متغیرها

شاخص آماری	FDI	FAD	HDI	PCGDP	PopG	Trade
میانگین	۱.۰۳۸۳	۴۲۰۰۰۰۰۰	۰.۴۴۹۰	۴۸۰.۹۸۸۸	۳.۵۰۷۹	۴۳.۰۱۰۰
میانه	۰.۴۵۵۴	۴۲۰۰۰۰۰۰	۰.۴۶۲۰	۵۲۷.۱۹۷۳	۳.۱۳۴۷	۴۳.۳۴۶۴
حداکثر	۴.۳۶۸۷	۶۸۰۰۰۰۰۰	۰.۴۹۲۰	۵۸۲.۱۰۴۰	۷.۵۴۱۰	۶۶.۷۰۶۷
حداقل	۰.۰۶۵۰	۱۲۰۰۰۰۰۰	۰.۳۶۸۰	۳۳۸.۷۳۹۴	۱.۷۹۳۲	۳۰.۱۱۴۰
انحراف معیار	۱.۲۵۹۵	۱۵۰۰۰۰۰۰	۰.۰۳۸۷	۹۱.۲۰۵۴	۱.۳۲۵۸	۷.۵۱۶۳
چولگی	۱.۵۷۲۳	-۰.۱۹۶۴	-۰.۷۴۲۵	-۰.۴۱۴۵	۱.۷۶۰۲	۱.۲۰۴۹
کشیدگی	۴.۲۱۸۱	۲.۶۳۴۲	۲.۲۶۳۵	۱.۵۱۵۳	۶.۰۴۹۰	۵.۹۱۰۹
جارك-برا	۹.۹۵۰۴	۰.۲۵۲۱	۲.۴۰۴۴	۲.۵۳۰۲	۱۸.۹۷۷۸	۱۲.۴۹۵۱
ارزش احتمالی	۰.۰۰۶۹	۰.۸۸۱۶	۰.۳۰۰۵	۰.۲۸۲۲	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۱۹
تعداد مشاهدات	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۳: همبستگی میان متغیرها

متغیرها	FDI	FAD	HDI	PCGDP	PopG	Trade
DFDI	۱.۰۰۰۰	-۰.۵۰۸۰	-۰.۴۹۲۹	-۰.۳۵۲۰	۰.۵۳۵۳	۰.۷۵۶۹
FAD	-۰.۵۰۸۰	۱.۰۰۰۰	۰.۷۳۴۴	۰.۸۰۲۷	-۰.۵۰۴۲	-۰.۵۲۰۹
HDI	-۰.۴۹۲۹	۰.۷۳۴۴	۱.۰۰۰۰	۰.۸۹۰۲	-۰.۶۳۲۲	-۰.۴۶۶۷

PCGDP	-۰.۳۵۲۰	۰.۸۰۲۷	۰.۸۹۰۲	۱.۰۰۰۰	-۰.۴۳۶۰	-۰.۴۲۰۹
POPG	۰.۵۳۵۳	-۰.۵۰۴۲	-۰.۶۳۲۲	-۰.۴۳۶۰	۱.۰۰۰۰	۰.۶۵۶۳
TRADE	۰.۷۵۶۹	-۰.۵۲۰۹	-۰.۴۶۶۷	-۰.۴۲۰۹	۰.۶۵۶۳	۱.۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

مطالعه مانایی متغیرهای تحقیق: جهت آزمودن مانایی متغیرهای تحقیق از دو آزمون مشهور ریشه واحد استفاده شده است. آزمون اول آزمون تعمیم یافته دیکی فولر و آزمون دومی آزمون فلیس پرون می‌باشد. نتایج این دو آزمون را به بحث می‌گیریم. با در نظر گرفتن آزمون‌ها چنین استدلال خواهد شد؛ اگر متغیری در سطح معنی‌دار باشد، گفته می‌شود که متغیر مذکور $I(0)$ می‌باشد و اگر متغیری در سطح معنی‌دار نباشد بلکه در تفاضل معنی‌دار باشد، گفته می‌شود که متغیر مذکور $I(1)$ است.

جدول ۴: آزمون ریشه واحد تعمیم یافته دیکی فولر

آماره تی	FDI	FAD	HDI	PCGDP	PopG	Trade	در سطح
t-Statistic	-۲۶.۳۷۱۰	-۲.۴۷۹۰	-۲.۰۸۶۰	-۱.۶۰۷۰	-۲.۷۲۶۰	-۴.۴۴۲۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۱۳۶۰	۰.۲۵۲۰	۰.۴۶۱۰	۰.۰۹۱*	۰.۰۰۳***	مبدا
t-Statistic	-۳.۸۹۳۰	-۱.۵۴۳۰	۲.۸۷۳۰	-۰.۷۵۹۰	-۶.۲۰۵۰	-۳.۸۴۱۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۳۶۰	۰.۷۷۹۰	۱.۰۰۰۰	۰.۹۵۳۰	۰.۰۰۰***	۰.۰۳۶**	مبدا و ترند
در تفاضل							
t-Statistic	-۸.۴۶۴۰	-۱.۴۸۷۰	-۱.۱۹۱۰	-۴.۰۶۸۰	-۳.۱۸۴۰	-۵.۱۵۴۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۵۱۷۰	۰.۶۵۶۰	۰.۰۰۶***	۰.۰۴۰**	۰.۰۰۰***	مبدا
t-Statistic	-۸.۰۱۶۰	-۳.۴۱۵۰	-۳.۲۸۹۰	-۴.۸۱۶۰	-۲.۸۰۸۰	-۵.۱۷۱۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۰۰۷۹*	۰.۰۰۹۸*	۰.۰۰۶***	۰.۲۱۴۰	۰.۰۰۳***	مبدا و ترند

نوت: معنی‌دار در ده فیصد (*)، معنی‌دار در پنج فیصد (**)، معنی‌دار در یک فیصد (***)

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵: آزمون ریشه واحد فلیس پرون

آماره تی	FDI	FAD	HDI	PCGDP	PopG	Trade	در سطح
t-Statistic	-۲۵.۱۴۴۰	-۲.۲۵۶۰	-۳.۱۹۶۰	-۱.۶۰۷۰	-۳.۹۴۴۰	-۴.۴۴۲۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۱۹۵۰	۰.۰۳۵**	۰.۴۶۱۰	۰.۰۰۸***	۰.۰۰۳***	مبدا
t-Statistic	-۲۲.۴۰۲۰	-۱.۵۹۱۰	۹.۴۹۲۰	-۰.۶۴۴۰	-۳.۱۶۵۰	-۳.۸۷۱۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۷۶۰۰	۱.۰۰۰۰	۰.۹۶۴۰	۰.۱۱۹۰	۰.۰۳۴**	مبدا و ترند
در تفاضل							
t-Statistic	-۲۸.۲۸۹۰	-۳.۲۵۵۰	-۰.۸۳۷۰	-۴.۰۶۸۰	-۵.۷۲۳۰	-۵.۳۱۸۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۰۳۲**	0.785	۰.۰۰۶***	۰.۰۰۰***	۰.۰۰۰***	مبدا
t-Statistic	-۲۷.۸۰۷۰	-۳.۵۲۸۰	-۳.۲۳۲۰	-۴.۸۱۹۰	-۶.۰۷۷۰	-۵.۴۳۲۰	با عرض از
Prob.	۰.۰۰۰***	۰.۰۶۵*	۰.۱۰۸۰	۰.۰۰۶***	۰.۰۰۰***	۰.۰۰۲***	مبدا و ترند

نوت: معنی دار در ده فیصد (*)، معنی دار در پنج فیصد (**)، معنی دار در یک فیصد (***)

منبع: یافته‌های تحقیق

با جمع‌بندی هردو آزمون چنین نتیجه گرفتیم که در جدول زیر شرح داده شده است.

جدول ۶: نتیجه کلی آزمون‌های ریشه واحد

متغیرها	Trade	PopG	PCGDP	HDI	FAD	FDI
درجه انباشتگی	I (۰)	I (۰)	I (۱)	I (۰)	I (۱)	I (۰)

منبع: یافته‌های تحقیق

دریافت طول وقفه بهینه: قبل از تخمین مدل باید طول وقفه بهینه دریافت گردد که ما در اینجا با استفاده از مدل VAR به دریافت آن پرداخته ایم جدول ذیل نتایج معیارهای مختلف را برای تعیین طول وقفه بهینه ارائه می دارد.

جدول ۷: نتایج طول وقفه بهینه

Lag	LogL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
0	-۴۳.۹۸۱۵	NA	۰.۰۰۰۰۰۰۵۹۷۰۰	۴.۹۹۸۲	۵.۲۹۶۹	۵.۰۵۶۵
1	۷۵.۴۰۰۱	۱۵۵.۱۹۶۰*	۰.۰۰۰۰۰۰۰۰۱۷۲۰*	-۳.۳۴۰۰*	-۱.۲۴۹۰*	-۲.۹۳۱۸*

منبع: یافته‌های تحقیق

چنانچه در جدول ۷ دیده می شود با در نظر گرفتن معیارهای مختلف چون معیار شوارتز، اکایک و غیره انتخاب یک وقفه را به عنوان وقفه بهینه انتخاب نموده ایم.

جدول ۸: نتیجه آزمون باند

F-Bounds Test		Null Hypothesis: No levels relationship		
Test Statistic	Value	Signif.	I(0)	I(1)
Asymptotic: n=1000				
F-statistic	33.07115	10%	2.26	3.35
k	5	5%	2.62	3.79
		2.5%	2.96	4.18
		1%	3.41	4.68
Test Statistic	Value	Signif.	I(0)	I(1)
t-statistic	-7.792658	10%	-2.57	-3.86
		5%	-2.86	-4.19
		2.5%	-3.13	-4.46
		1%	-3.43	-4.79

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون هم‌انباشتگی: جهت بررسی این که آیا رابطه بلندمدت بین شاخص توسعه انسانی و متحولین مستقل این تحقیق وجود دارد یا خیر به آزمون هم‌انباشتگی می‌پردازیم. طوری که در این جدول دیده می‌شود ارزش آماره 33.071155 می‌باشد. این ارزش از ارزش سرحد $I(1)$ در یک فیصد، دو اعشاریه پنج فیصد، پنج فیصد و ده فیصد خطا بزرگ تر است به این لحاظ فرضیه صفری این آزمون که بیان میدارد هم‌انباشتگی بین شاخص توسعه انسانی و متحول‌ها مستقل این تحقیق وجود ندارد رد می‌شود؛ بنابراین رابطه بلند بین این متحول‌ها موجود می‌باشد. همچنین آماره تی برابر است با -7.792658 می‌باشد. قیمت مطلق این ارزش هم از سرحد $I(1)$ بزرگتر می‌باشد این آماره هم تأکید بر موجودیت رابطه درازمدت بین متحولین این تحقیق دارد.

تخمین مدل خودرگرسیون بلندمدت: جدول ذیل نشان‌دهنده تأثیرات بلندمدت متحول‌های مستقل این تحقیق بالای شاخص توسعه انسانی یا کاهش فقر در افغانستان می‌باشد.

جدول ۹: نتایج تخمین مدل درازمدت

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	ارزش احتمالی
POPG	۰.۰۰۶۷	۰.۰۰۴۷	۱.۴۲۰۴	۰.۱۸۵۹
FDI	-۰.۰۱۱۶	۰.۰۰۳۴	-۳.۴۲۴۲	۰.۰۰۶۵
LOG(PCGDP)	۰.۱۹۰۸	۰.۰۱۳۲	۱۴.۴۱۲۴	۰.۰۰۰۰
Trade	-۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۰۴	-۰.۴۰۴۷	۰.۶۹۴۲
LOG(FAD)	-۰.۰۳۰۶	۰.۰۰۷۴	-۴.۱۵۸۷	۰.۰۰۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق

تخمین مدل تصحیح خطا: طوری که از نتایج آزمون باند به دست آمد بین متحول‌ها این تحقیق رابطه دراز مدت موجود می‌باشد. در این بخش برای فهمیدن تأثیرات کوتاه مدت متحول‌ها و سرعت تعدیل دوباره به تعادل بلندمدت بعد از یک شوک کوتاه مدت به تخمین مدل تصحیح خطا می‌پردازیم جدول ذیل نتایج تخمین این مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون مدل تصحیح خطا یا کوتاه مدت

ارزش احتمالی	آماره t	خطای معیار	ضریب	متغیر
0.0000	-14.18485	0.001292	-0.018330	C
0.0726	2.006605	0.000377	0.000756	D(POPG)
0.0000	-18.30915	0.000169	-0.003094	D(FDI)
0.0000	12.41966	0.003975	0.049371	DLOG(PCGDP)
0.0000	-17.25226	0.019779	-0.341228	CointEq(-1)*

R-squared	0.969530	Mean dependent var	0.004700
Adjusted R-squared	0.961405	S.D. dependent var	0.007834
S.E. of regression	0.001539	Akaike info criterion	-9.902883
Sum squared resid	3.55E-05	Schwarz criterion	-9.653950
Log likelihood	104.0288	Hannan-Quinn criter.	-9.854289
F-statistic	119.3232	Durbin-Watson stat	2.282953
Prob(F-statistic)	0.000000		

منبع: یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین نتیجه از مدل تصحیح خطا محاسبه ضریب تصحیح خطا می‌باشد. ضریب تصحیح خطا تأخیری (ECM1) که معنی‌دار و از لحاظ علامه درست باشد تأیید کننده رابطه هم‌انباشته بین متحول‌ها است. همان‌طوری که در جدول فوق دیده می‌شود ضریب تصحیح خطا منفی و به طور احصائیه‌یی معنی‌دار می‌باشد؛ ارزش احتمالی این ضریب ۰.۰۰۰۰ است که کوچکتر از پنج فیصد خطا می‌باشد. از این رو، ضریب تصحیح خطا معنی‌دار می‌باشد این ضریب نشان دهنده سرعت تعدیل دوباره به تعادل درازمدت بعد از یک شوک کوتاه‌مدت می‌باشد. این ضریب ۳۴ فیصد می‌باشد و برای ما بیان می‌دارد در صورت وارد شدن و بروز عدم تعادل در متغیرها؛ با سرعت ۳۴ فیصد دوباره به حالت تعادلی برمی‌گردد.

همچنان مدل تخمین شده ما قابل تأیید می‌باشد؛ زیرا ارزش احتمالی F مدل ۰.۰۰۰۰ می‌باشد. این ارزش از ۰.۰۵ کوچک‌تر است پس در نتیجه فرضیه صفری که بیان می‌کرد تغییرات بالای کاهش فقر ناشی از تغییرات متحول‌های مستقل نمی‌باشد با در نظر داشت شواهد کافی رد می‌گردد. ضریب تعیین این مدل بیان میدارد که ۹۶ فیصد تغییرات در کاهش فقر ناشی از تغییرات در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی، رشد جمعیت، تولیدات ناخالص سرانه ملی و تجارت می‌باشد؛ و هم چنان مقدار آماره دوربین واتسون ۲.۲۸۲۹ بوده و نشان می‌دهد که در این حالت باقی مانده‌ها مستقل از هم هستند.

جدول ۱۱: خلاصه نتایج فرضیات در درازمدت

نتیجه	P-value	نوع اثر	فرضیه (H1)
H ₁ : تأیید	0.0065	منفی	سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نقش معنی‌دار بالای کاهش فقر دارد.
H ₁ : تأیید	0.0020	منفی	کمک‌های خارجی نقش معنی‌دار بالای کاهش فقر دارد.
H ₁ : رد	0.1859	مثبت	رشد جمعیت نقش معنی‌دار بالای کاهش فقر دارد.
H ₁ : تأیید	0.0000	مثبت	تولیدات ناخالص داخلی سرانه نقش معنی‌دار بالای کاهش فقر دارد.
H ₁ : رد	0.6942	منفی	تجارت نقش معنی‌دار بالای کاهش فقر دارد.

جدول ۱۲: آزمون‌های خوبی برازش مدل رگرسیون

آزمون	فرضیه	ارزش احتمالی	نتیجه
نورمالیتی (جاریو-برا)	باقی مانده‌های مدل دارای توزیع نرمال می‌باشند.	۰,۸۳۳	تائید: H_0
ناهمسانی واریانس (بروش پیگان)	باقی مانده‌های مدل هم‌واریانس می‌باشند.	۰,۸۶۰	تائید: H_0
خودهمبستگی سریالی (بروش پیگان)	میان باقی مانده‌های مدل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.	۰,۵۶۳	تائید: H_0
ثبات مدل	مدل تخمین شده با ثبات هست.	-	تائید: H_0
شکل تابع رگرسیونی (ریسیت رمزی)	شکل تابع مدل رگرسیونی درست هست.	۰,۷۴۴	تائید: H_0

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بلندمدت و کوتاه‌مدت اثر منفی و معنادار بر کاهش فقر در افغانستان داشته است. این نتیجه بیانگر آن است که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره مورد مطالعه نتوانسته به بهبود شاخص توسعه انسانی و کاهش فقر کمک نماید. دلیل احتمالی این وضعیت می‌تواند پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری خارجی، تمرکز سرمایه‌گذاری در بخش‌های محدود، ناامنی، ضعف نهادها، نبود زیربنای اقتصادی و فرار سرمایه از کشور باشد. بنابراین، صرف ورود سرمایه خارجی برای کاهش فقر کافی نیست؛ بلکه کیفیت، مدیریت و جهت‌دهی آن به بخش‌های مولد و اشتغال‌زا اهمیت اساسی دارد.

همچنان یافته‌ها نشان می‌دهد که کمک‌های خارجی در بلندمدت اثر منفی و معنادار بر کاهش فقر داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که کمک‌های خارجی، با وجود حجم قابل توجه در سال‌های مورد مطالعه، نتوانسته‌اند به گونه پایدار باعث کاهش فقر شوند. علت آن می‌تواند وابستگی اقتصاد به کمک‌ها، مصرفی بودن بخش زیادی از کمک‌ها، ضعف هماهنگی، فساد اداری و عدم تمرکز کمک‌ها بر تولید، اشتغال و توسعه زیربناها باشد. رشد جمعیت در بلندمدت اثر معنادار بر کاهش فقر نداشته، اما در کوتاه‌مدت اثر مثبت و معنادار نشان داده است. این یافته می‌تواند بیانگر آن باشد که در کوتاه‌مدت افزایش جمعیت فعال ممکن است باعث افزایش نیروی کار و فعالیت اقتصادی گردد، اما در بلندمدت به دلیل نبود فرصت‌های کاری و ظرفیت تولیدی کافی، اثر آن پایدار و معنادار باقی نمی‌ماند.

در مقایسه با مطالعات پیشین، نتیجه مربوط به اثر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های خارجی با یافته‌های انیتور و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد؛ زیرا آنان نیز نشان داده‌اند که

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های خارجی در برخی کشورهای مورد مطالعه اثر مطلوبی بر کاهش فقر نداشته است. اما این یافته با نتایج خان و همکاران (۲۰۱۹)، گوکمن‌اوغلو و همکاران (۲۰۱۸)، نوافور و همکاران (۲۰۲۲) و امانی‌مله و همکاران (۱۳۹۴) تفاوت دارد؛ زیرا این مطالعات اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر کاهش فقر یا بهبود توسعه انسانی گزارش کرده‌اند. تفاوت نتایج می‌تواند ناشی از تفاوت ساختار اقتصادی کشورها، کیفیت نهادها، امنیت، ظرفیت جذب سرمایه و نحوه مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی باشد.

یافته مربوط به رشد جمعیت با دیدگاه مالتوس تا حدی تفاوت دارد؛ زیرا در کوتاه‌مدت اثر مثبت نشان داده است، اما از آن‌جا که در بلندمدت معنادار نیست، می‌توان گفت افزایش جمعیت بدون رشد تولید، اشتغال و سرمایه‌انسانی نمی‌تواند به صورت پایدار باعث کاهش فقر گردد. همچنان نتیجه مربوط به تجارت با برخی مطالعات مانند انیتور و همکاران (۲۰۲۰) و احمد و همکاران (۲۰۱۲) تفاوت دارد؛ زیرا در تحقیق حاضر تجارت اثر معنادار بر کاهش فقر در افغانستان نشان نداده است. دلیل احتمالی آن وابستگی افغانستان به واردات، ضعف تولید داخلی و تراز تجارتي منفی در دوره مورد مطالعه می‌باشد.

در پاسخ به سوال اصلی تحقیق، می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک‌های خارجی و رشد جمعیت نقش یکسانی در کاهش فقر افغانستان نداشته‌اند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های خارجی در بلندمدت اثر منفی و معنادار داشته‌اند، در حالی که رشد جمعیت در بلندمدت اثر معنادار نشان نداده است. در پاسخ به سوالات فرعی تحقیق، یافته‌ها نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معنادار بر کاهش فقر داشته است؛ بنابراین افزایش درآمد سرانه می‌تواند یکی از عوامل مهم بهبود وضعیت زندگی مردم باشد. اما تجارت در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر معنادار بر کاهش فقر نداشته است. به طور کلی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کاهش فقر در افغانستان بیشتر به رشد واقعی تولید، افزایش درآمد سرانه، بهبود مدیریت کمک‌ها، جذب مؤثر سرمایه‌گذاری و تقویت ظرفیت‌های داخلی اقتصاد وابسته است.

نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در درازمدت و کوتاه‌مدت بالای کاهش فقر به شکل معنی‌دار تأثیر منفی دارد که خلاف بعضی یافته‌های قبلی می‌باشد (امانی‌مله و همکاران، ۱۳۹۴). ولی می‌توان گفت این نتیجه به علت اندک بودن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طی سال‌های مذکور در افغانستان و فرار سرمایه از کشور می‌باشد. کمک‌های خارجی نشان داده است که در درازمدت بالای کاهش فقر

به شکل معنی‌دار تأثیر منفی دارد و در کوتاه‌مدت اثرات آن مشاهده نمی‌شود. همچنان نقش رشد جمعیت در درازمدت بالای کاهش فقر معنی‌دار نبوده و در کوتاه‌مدت بر اساس یافته‌ها نقش مثبت و معنی‌دار از خود نشان داده است. در عین حال متغیر کنترلی تولیدات ناخالص داخلی سرانه در درازمدت و کوتاه‌مدت نقش مثبت و معنی‌دار بالای کاهش فقر در کشور داشته است و میتوان چنین نتیجه گرفت که با افزایش تولیدات ناخالص داخلی سرانه فقر در کشور کاهش خواهد یافت. همچنان تجارت در کشور به اساس نتایج به‌دست آمده کدام تأثیر معنی‌دار بالای کاهش فقر در درازمدت و کوتاه‌مدت از خود نشان نداده است و بیانگر این می‌باشد که در ۲۱ سال گذشته افغانستان به علت اینکه یک کشور وارداتی می‌باشد با بیلانس تجارت منفی مواجه بوده است؛ خلاف تحقیقات گذشته بوده است که تجارت تأثیر معنی‌دار و مثبت بالای کاهش فقر در کشورهای کم‌درآمد دارد (انیتور و همکاران، ۲۰۲۰).

قابل یادآوری است که در این مطالعه از داده‌های ثانوی استفاده شده است که از منابع معتبر جهانی گردآوری گردیده‌اند. با این حال، ممکن است برخی از این داده‌ها با ارقام واقعی در داخل کشور در تضاد باشد؛ زیرا دسترسی کامل به تمامی ارقام مورد نیاز در داخل افغانستان با محدودیت‌های جدی مواجه بوده است. افزون بر این، به دلیل نبود داده‌های قابل دسترس، برخی از متغیرهای مهم و ضروری، از جمله نسبت سرشمار فقر بر اساس خط فقر ملی، ضریب جینی و سایر شاخص‌های مرتبط، از مدل تحقیق حذف گردیده‌اند. همچنان، بخشی از داده‌ها ناقص بوده که این نقیصه با استفاده از روش اوسط وزنی تا حدی برطرف شده است.

از دیگر محدودیت‌های این تحقیق، استفاده از شاخص توسعه انسانی به عنوان متغیر نماینده فقر می‌باشد؛ در حالی که فقر یک پدیده چندبعدی است و سنجش آن مستلزم به‌کارگیری مجموعه‌ای از شاخص‌ها و متغیرهای مختلف می‌باشد. با این وجود، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نبود داده‌های لازم برای برخی متغیرها سبب گردید تا این متغیرها از مدل حذف شوند.

۱. پیشنهاد می‌گردد محققان در تحقیقات آینده پیرامون کاهش فقر، در صورت امکان، متغیرهای مؤثر دیگر مانند نسبت سرشمار فقر، ضریب جینی، شاخص فقر چندبعدی و سایر شاخص‌های مرتبط را از منابع معتبر ملی و بین‌المللی گردآوری نموده و در مدل‌های تحلیلی خود مورد استفاده قرار دهند.

۲. توصیه می‌شود موضوع فقر و کاهش آن از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و انسانی و با استفاده از روش‌های متنوع تحلیلی و اقتصادسنجی مورد بررسی قرار گیرد.

۳. انجام مطالعات جامع‌تر با استفاده از داده‌های دقیق‌تر و به‌روزتر می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی، مؤثر و قابل اجرا برای کاهش فقر در افغانستان کمک نماید.

سپاسگزاری

از تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که به‌گونه مستقیم یا غیرمستقیم در تهیه و تکمیل این تحقیق همکاری نموده‌اند، ابراز سپاس و قدردانی می‌نمایند. همچنان از استادان، مشاوران علمی و همکارانی که با ارائه نظریات اصلاحی و رهنمودهای علمی در بهبود کیفیت مقاله نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکری می‌گردد.

سهم نویسندگان در تحقیق (مقاله)

مسعود احمد خداجو در طرح موضوع تحقیق، تدوین چارچوب نظری، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل اقتصادسنجی و تفسیر یافته‌ها سهم اصلی داشته است. سمیع قانع در مرور پیشینه تحقیق، تنظیم بخش‌های ادبیات نظری، ویرایش علمی، بازنگری متن و تکمیل ساختار نهایی مقاله همکاری نموده است. هر دو نویسنده نسخه نهایی مقاله را مطالعه، تأیید و برای نشر آماده کرده‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان تصدیق می‌نمایند که در انجام، تحلیل، نگارش و نشر این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافع مالی، شخصی، سازمانی یا علمی میان آنان وجود ندارد.

منابع

- ابن خلدون، ع. (۱۳۷۵). مقدمه / ابن خلدون (محمد پروین گنابادی، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی. [لینک](#)
- اسدزاده، ا.، حیدری داد، ز.، و جامه شورانی، ز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی روی فقر. *مجله توسعه و سرمایه*، ۴ (۱)، ۷-۲۶. [لینک](#)
- الهی، ه. (۱۳۷۳). کمک‌های خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۲ (۱)، ۱۴۹-۱۶۴. [لینک](#)
- امانی‌مله، ا.، حیدری، ا. ل.، و آماده، ا. (۱۳۹۴). ارزیابی ارتباط بین فقر و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. *کنفرانس ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و توسعه*. [لینک](#)
- تفضلی، ف. (۱۳۷۲). *تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر* (ویرایش دوم). نشر نی.
- ذوالقدر، م. (۱۳۸۸). مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۹ (۲)، ۸۹-۱۰۷. [لینک](#)
- عاقلی، ل.، و سام‌دلیری، م. (۱۴۰۰). تأثیر کمک‌های رسمی توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه انسانی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته. *اقتصاد باثبات*، ۲ (۲)، ۲۳-۴۴.
<http://dx.doi.org/10.22111/sedj.2021.39072.1119>
- غفاری، م. (۱۳۹۳). راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹ (۴)، ۲۱۵-۲۴۵. [لینک](#)
- Ahmad, N., Luqman, M., Hayat, F., & Ahmad, A. (2012). The impact of trade liberalization, population growth and income inequality on poverty: A case study of Pakistan. *Research Journal of Economics, Business and ICT*, 2(1), 45–60. [Link](#)
- Anetor, O. F., Esho, E., & Verhoef, G. (2020). The impact of foreign direct investment, foreign aid and trade on poverty reduction: Evidence from Sub-Saharan African countries. *Cogent Economics & Finance*, 8(1), Article 1776532.
<https://doi.org/10.1080/23322039.2020.1737347>
- Chishti, M. Z., Rehman, A., & Murshed, M. (2022). An estimation of the macroeconomic determinants of income poverty in Pakistan: Evidence from a non-linear ARDL approach. *Journal of Public Affairs*, 22(4), Article e2719.
<https://doi.org/10.1002/pa.2719>
- Denisia, V. (2010). Foreign direct investment theories: An overview of the main FDI theories. *European Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(2), 51–59. [Link](#)
- Djankov, S., García-Montalvo, J., & Reynal-Querol, M. (2006). Does foreign aid help? *Cato Journal*, 26(1), 1–28. [Link](#)

- Gokmenoglu, K. K., Apinran, M. O., & Taspinar, N. (2018). Impact of foreign direct investment on human development index in Nigeria. *Business and Economics Research Journal*, 9(1), 1–13. [Link](#)
- Khan, B., Huobao, X., & Saleem, H. (2019). Direct impact of inflow of foreign direct investment on poverty reduction in Pakistan: A bounds testing approach. *Journal of Economic Studies*, 46(7), 1405–1422. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2019.1670088>
- Malthus, T. R. (1798). *An essay on the principle of population, as it affects the future improvement of society*. J. Johnson, 10-5. [Link](#)
- Nejati, M., Shakibaei, A., & Gholami, M. (2023). Investigating the relationship between population structure and poverty. *Social Welfare Quarterly*, 23(1), 12–29. <https://doi.org/10.32598/refahj.22.87.3957.1>
- Nwafor, B. U., et al. (2022). Foreign direct investment inflows and human development index (HDI) in Nigeria: An ARDL approach. *International Journal of Innovative Development & Policy Studies*, 10(1), 27–35. [Link](#)
- Pablo, Q., Joselin, S., & Jessica, S. (2018). Does foreign direct investment reduce poverty? The case of Latin America in the twenty-first century. *Business and Economic Horizons*, 14(2), 488–500. [Link](#)
- Ravallion, M. (2016). *The economics of poverty: History, measurement, and policy*. Oxford University Press. [Link](#)
- Sinuraya, S., Sari, R., & Lubis, M. (2021). Analysis of effects of economic growth, human development index, population, unemployment and investment on poverty levels in the North Sumatra Province. *International Journal of Research and Review*, 8(12), 663–685. [Link](#)
- Stéphane, M. N., Issidor, N., Armand, G., & Noula, N. (2020). Does foreign direct investment contribute to poverty reduction in Cameroon? An ARDL-bounds testing approach. *Research Papers in Economics*, 12(3), 1–15. [Link](#)
- Todaro, M. P., & Smith, S. C. (2020). *Economic development* (13th ed.). Pearson Education. [Link](#)
- United Nations. (2020, September 9). *Ending poverty*. [Link](#)
- United Nations Conference on Trade and Development. (2022). *World investment report 2022: International tax reforms and sustainable investment*. [Link](#)
- World Bank. (2020). *Poverty and shared prosperity 2020: Reversals of fortune*. World Bank. [Link](#)